1. خاقانی را حسّان عجم خوانده اند . دلیل آن را اینگونه آورده اند که عمویش – که از دانشمندان زمان خود بوده – استعداد سخنوری افضل الدین بدیل را فراتر از بیست سالگی دید ، و هنگامی چند قصیده او را در ستایش پیامبر از او شنید ، او را با حسان ثابت انصاری – ستایشگر همزمان پیامبر – همانند شمرد و او را حسان عجم خواند
2. خاقانی را شاعر صبح نامیده اند . دلیل آن را این گونه آورده اند که خاقانی در پیشانی بسیاری از قصائد خود از توصیف صبح سخن به میان آورده و بیش از شست بار در این زمینه تابلوهایی آفریده که کمتر کسی بدین کار دست زده است .
3. خاقانی شاعر سبک ارانی ( آذربایجانی ) است . این سبک نه به سبک عراقی شبیه است و نه به سبک خراسانی . و دلیل آن را پیچیدگی الفاظ ، کلام سنگین ، کاربرد اصطلاحات خاص ، تعبیر آفرینی ، تأثیر احتمالی زبان گرجی و ارمنی در همسایگی اران در سخن شاعران آن ولایت برشمرده اند . و بدین دلیل شباهتی به زلالی شعر عراقی در شعر خاقانی نمی توان برخورد . و برای فهم شعر او بایستی به شرح هایی که بر دیوان او نوشته اند ، مراجعه کرد .
4. خاقانی شاعر قرن ششم هجری است و در 520 در شروان به دنیا آمده و در 595 در تبریز درگذشته است . آرامگاه ایشان در مقبره الشعرا واقع است . ابتدا حقایقی تخلص می کرد . بعد تخلص خاقانی را برگزید .
5. خاقانی سه اثر برجسته دارد : دیوان اشعار ، تحفه العراقین که سفرنامه ی است ، منشآت که نامه های او را در بر می گیرد .
6. تفسیر بیت

از نوحه ی جغد الحق ماییم به درد سر از دیده گلابی کن درد سر ما بنشان

سخن از ویرانه نشینی جغد است . پندار آدمیان همیشه این بوده است که جغد عاشق ویرانه و پیام آور ویرانی است اما جغد از دست آدمیان که سنگش می زنند ، به ویرانه ها پناه می برد .

این بیت ریشه در همان پندار عوام دارد .

ویرانه ی مداین به گوش دل خاقانی می گوید :

از صدای جغد سرم درد گرفته است و گلاب اشک تو باید این سر درد را آرام کند .

گلاب استعاره از اشک

در گذشته درد سر را با گلاب فرو می نشانیده اند

نوحه خواندن جغد کنایه است جغد در ویرانه ها آواز سر می دهد .

1. تفسیر بیت

گویی که نگون کرده است ایوان فلک وش را حکم فلک گردان یا حکم فلک گردان

تشبیه سقف بلند ایوان به فلک ، اشاره ای به حالت آسمان دارد که خاقانی فلک را واژگون و کار فلک را واژگونه می بیند .

ایوان فلک وش : تشبیه است .

حکم فلک گردان : پیشینیان بر این باور بودند که آسمان می گردد .

افلاک را آباء علوی می دانستند و آن را به هفت طبقه می دانستند : قمر ، عطارد ، زهره ( ناهید که سعد اصغر بوده ) ، شمس ، مریخ ( بهرام که نحس اصغر بوده ) مشتری ( برجیس که قاضی فلک بوده و سعد اکبر نامیده می شده ) و کیوان ( زحل که نحس اکبر بوده است ) و معتقد بودند که افلاک بر سرنوشت آدمیان تأثیر داشته اند و طالع سعد و نحس از همین جا بوده است .

فلک گردان : پروردگار که افلاک را آفریده و گرداننده آسمان ها است . کنایه است از آفریدگار که آفریننده ی آسمان هاست

بین فلک ِگردان و فلک گردان جناس رخ داده است .

معنی بیت : ایوان سپهر آسای مداین را چه کسی نگون و ویران گردانیده است . آسمان گردان چنین فرمان داده است ؟ یا خداوند چنین مقدر کرده است ؟

1. تفسیر بیت

از اسب پیاده شو بر نطع زمین نه رخ زیر پی پیلش بین شهمان شده نعمان

از اسب پیاده شدن : زبان عامیانه است . زبان کنایی و حتی تمثیلی است . از موضع قدرت به زیر آمدن ،

بر نطع زمین نه رخ : نطع صفحه یا گستره گیتی است . در اینجا صفحه ی شطرنج مراد است // نه رخ : ایهام دارد . هم اشاره به مهره ی شطرنج دارد که در چهار سوی صفحه شطرنج جای دارد . // رخ نهادن : اشاره به رسم قدیم دارد که با دیدن پادشاهان صورت خود را در چند جای بر زمین می مالیده اند و اظهار خاکساری می کرده اند . در اینجا منظور اظهار فروتنی کردن و از غرور دست برداشتن معنی می دهد . // مصرع دوم : اشاره به نعمان منذر حاکم حیره دارد که خسرو پرویز بر او خشم گرفت . // بیت تلمیح به این داستان دارد . مراعات نظیر در اسب و فیل و پیاده ( سرباز ) رخ ، شهمات //

نطع زمین تشبیه بلیغ است

اسب و پیاده و رخ و پیل و نطع با شهمات ایهام تناسب می سازند .

شهمات کنایه است از درمانده و بیچاره و در دام افتاده